

تولد تمدن در خاور نزدیک

هنری فرانکفورت

ترجمه سحر قدیمی

www.ketab.ir

سرشناسه:

فرانکفورت، هانری، ۱۸۹۷-۱۹۵۷

Frankfort, Henri

عنوان و نام پدیدآور:

تولد تمدن در خاور نزدیک / هنری فرانکفورت؛ ترجمه سحر قدیمی.

مشخصات نشر:

تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:

۱۷۶ ص.؛ مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۸۰۰۴-۱۶-۵

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیبا

یادداشت:

Birth of civilization in the Near East, 1951، عنوان اصلی:

یادداشت:

واژه‌نامه

موضوع:

تمدن باستان

موضوع:

مصر--آثار تاریخی

موضوع:

عراق--آثار تاریخی

شناسه افزوده:

قدیمی، سحر، ۱۳۵۷- مترجم

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۴ ت ۹۴ ف/ GN851

رده‌بندی دیویی:

۹۱۳/۳

شماره کتابشناسی ملی:

۳۹۸۱۱۲۹



ناشر:

نویسنده:

من ترجم:

مدیر هنری:

مدیر تولید فنی:

طراح جلد:

صفحه آرا:

ناظر فنی:

شاہکی:

شمارگان:

نوبت چاہیے:

لیتوگرافی:

جواب و صحافی:

©

انتشارات دنیای اقتصاد

تولد تمدن در خاور نزدیک

هنري فرانكفورت

سحر قدیمی

حسن کریم زادہ

انوشه صادق آزاد

مهدی کریمزاده

مریم فتاحی

علی سجودی

9VA-6.-A.-F-16-D

۱۱۰۰ نسخه

اول ۱۳۹۵

نقرہ آبی

شاد رنگ

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ و متعلق به ناشر است

۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	فصل ۱/ بررسی تمدن‌های باستانی
۴۱	فصل ۲/ دوره پیش تاریخ در خاور نزدیک باستان
۶۵	فصل ۳/ شهرهای بین‌النهرین
۱۰۳	فصل ۴/ مصر، پادشاهی دو سرزمین
۱۳۵	مؤخره/ تاثیر بین‌النهرین بر مصر در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد مسیح

- دسته داس از جنس استخوان با کنده کاری‌هایی به شکل سر حیوانات (بزها) و شیار برای 1A. ۱۵۰ گذاشتن سنگ چخماق
- بخش بالایی دسته داس از جنس استخوان با کنده کاری یک گوزن جوان 1B. ۱۵۰
- بخش بالایی دسته داس از جنس استخوان با کنده کاری پیکر انسان و دارای شیار 1C. ۱۵۰
- داس چوبی از خاندان نخست با بریدگی حاصل از سنگ چخماق 1E. ۱۵۰
- داس چوبی با بریدگی حاصل از سنگ چخماق 1D. ۱۵۰
- تصویر ۲- محوطه توریستی در حسونا ۱۵۱
- تصویر ۳- باتلاق پوشیده از پایروس در قسمت علیای نیل ۱۵۱
- تصویر ۴- جدول بقایای یافت شده از دوره پیش از خاندان‌های پادشاهی و آغاز آن ۱۵۲
- تصویر ۵- عرب‌های هورنشین در جنوب عراق ۱۵۳
- تصویر ۶- اشیای سفالین متعلق به دوره العبید، از تل عقیر در موزه عراق، بغداد ۱۵۳
- تصویر ۷- مجسمه با نقش آشور ۱۵۴
- تصویر ۸- «معبد سفید» بر زیگوراتش در ارخ ۱۵۴
- تصویر ۹- ستون‌های به هم پیوسته، پوشیده از موزاییک‌های مخروطی ۱۵۵
- تصویر ۱۰- ردیف ستون‌ها بر سکو، ارخ ۱۵۶
- تصویر ۱۱- زیگورات ایشтар در ارخ در دوره آشور ۱۵۶
- تصویر ۱۲- نقش برجسته خدای باروری از آشور ۱۵۷
- تصویر ۱۳- تحول خط در بین‌النهرین ۱۵۸
- تصویر ۱۴- نقش مهر استوانه‌ای از دوره آغاز نوشتار که گاوهای نر و خوشه‌های جو را می‌نماید ۱۵۹
- تصویر ۱۵- نقش مهر استوانه‌ای از دوره آغاز نوشتار که ششک‌های میوه، گلدان و غیره برای الهه مادر را می‌نماید ۱۵۹
- تصویر ۱۶- نقش مهر استوانه‌ای از دوره آغاز نوشتار که هیولاهای را می‌نماید ۱۵۹
- تصاویر ۱۷-۱۸- جنو و پشت مجسمه سنگی قوچ در مجموعه بابل ۱۶۰
- تصویر ۱۹- معبدی از آغاز دوران خدای پادشاهی در خفجه ۱۶۱
- تصویر ۲۰- مهر مس یک ایلادی، از تل عقرب ۱۶۱
- تصویر ۲۱- مجسمه البستر از آغاز دوران پادشاهی، خفجه ۱۶۲
- تصویر ۲۲- سر یک هیولای ایلادی، اگدی از نینوا ۱۶۲
- تصویر ۲۳ و ۲۴- دسته قوچ بزرگ‌الارک ۱۶۳
- تصویر ۲۵- لوحه شکارچیان ۱۶۴
- تصویر ۲۶- سرگز پادشاه ایلادی ۱۶۵
- تصویر ۲۷- لوحه پادشاه ایلادی ۱۶۶
- تصویر ۲۸- لوحه پادشاه نارمر ۱۶۷
- تصویر ۲۹- صحنه‌های دروی محصول از مقبره تی، پادشاهی کهن، در حدود ۲۴۰۰ پیش از میلاد ۱۶۸
- تصویر ۳۰- صحنه‌های کشاورزی از مقبره منا، پادشاهی جدید، حدود ۱۴۰۰ پیش از میلاد ۱۶۹
- تصویر ۳۱- پلان دهکده کارگران در تل العمارنه، حدود ۱۴۴۰ پیش از میلاد ۱۷۰
- تصویر ۳۲- نقش یک مهر استوانه‌ای بین‌النهرینی، از مصر ۱۷۱
- تصاویر ۳۳-۳۴- نقش‌های دو مهر استوانه‌ای متعلق به نیمه دوم دوره آغاز نوشتار، از خفجه ۱۷۱

- تصاویر ۳۵-۳۶- مهر استوانه‌ای چوبی متعلق به خاندان نخست، از ابیدوس
- تصویر ۳۷- تعویذ استوانه‌ای مربوط به مراسم خاکسپاری
- تصویر ۳۸- نقش تصویر ۳۷ که مردی با موهای بلند رانسته در کنار میز پیشکش هانشان می‌دهد
- تصویر ۳۹- تعویذ استوانه‌ای مراسم خاکسپاری
- تصاویر ۴۰-۴۱- چاقوی سنگ چخماق با دسته‌ای که ورقه نازکی از طلا روی آن کشیده شده از جبل الطریف
- تصویر ۴۲- دو ساختمان با ستون‌ها و تورفتگی‌ها، متعلق به خاندان نخست در مصر و نقش مهری متعلق به نیمه دوم دوره آغاز نوشتار، از خفجه
- تصویر ۴۳- سنگ لوح پادشاه دجت از خاندان نخست
- تصویر ۴۴- سه ساختمان با تورفتگی‌ها که بر اساس بناهای یادبود خاندان نخست در مصر ترسیم شده‌اند و نقش سه مهر استوانه‌ای از بین‌النهرین، متعلق به دوره آغاز نوشتار
- تصویر ۴۵- پلان «معبد سفید» بر زیگورات باستانی ارخ
- تصویر ۴۶- پلان مقبره حماکه در سقاره
- تصویر ۴۷- مقبره‌ای مزین به تورفتگی‌ها در ابوروش
- تصویر ۴۸- تورفتگی‌های «معبد سفید» در ارخ
- تصویر ۴۹- تابوت چوبی به تنه‌ای در «ای‌های چوبی با تورفتگی‌ها و شاه تیرهای چوبی مدور از ترخان
- تصویر ۵۰- مقبره دارای تورفتگی‌ها و شاه تیرهای چوبی مدور متعلق به خاندان نخست در ابوروش
- تصویر ۵۱- نقشه حریم یک باغ برگرفته از اطلس تاریخی وست مینیستر از انجیل

گیلگمش: اینسان شایناک به کجا می‌روی؟
 تو هیچ‌ام نه، نمی‌توانی مرا که در جست‌وجوی هستی، نخواهی یافت
 زیرا هنگامی که خداان به از را آفریدند
 مرگ را قسمت او قرار دادند،
 اما زندگی را برای خود نگاه داشتند...

درباره دو تمدن بزرگ و درخشان مصر و بین‌النهرین - موقعیت جغرافیایی، تاریخ، فرهنگ، چگونگی شکل‌گیری نهادهای سیاسی - اجتماعی، تاثیر آنها بر تمدن‌های بعدی و... - آثار زیادی تالیف شده است. البته تاسف‌انگیز است با وجود منابع فراوانی که در این زمینه‌ها وجود دارد، آثار ارزشمندی که به فارسی ترجمه شده‌اند، این اندازه کم‌شمارند. ابعاد کم‌شماسه شده و مورد بحث قرار گرفته این کتاب بود که نخستین بار نظرم را جلب کرد، جنبه‌های انسان‌شناسانه‌ای که نویسنده با دقت بسیار و بررسی مدارک متعدد پیش رویمان قرار می‌دهد. مطالعه این کتاب به آنچه پیشتر درباره این تمدن‌ها می‌دانستیم، رنگ و بو و عمق تازه‌ای می‌بخشد و مسائلی فراتر از صرفاً تاریخ و سیمای فرهنگی این مناطق را آشکار می‌سازد.

از نویسنده کتاب، هنری فرانکفورت - مورخ، باستان‌شناس و مصرشناس برجسته هلندی - تاکنون اثری به فارسی ترجمه نشده است و با توجه به

اینکه تحقیقات وی مرجع بسیاری از آثار منتشر شده درباره تمدن‌های مصر و بین‌النهرین بوده است - از جمله در کتاب ارزشمند هنر در گذر زمان از او نقل قول شده - ترجمه نشدن آثار وی در ایران تعجب‌انگیز است.

او در اثر حاضر با نگاهی نقادانه و موشکافانه، نخست، نظریه‌های رایج درباره تمدن‌ها را بر می‌رسد؛ بحثی فلسفی - تاریخی و به شدت پیچیده که در برخی قسمت‌ها سخت به ترجمه در می‌آید و نویسنده، خود این مسئله را تایید می‌کند - نک به صفحه ۲۴. نویسنده با نقل قول از دو محقق برجسته تاریخ تمدن‌ها، آرنولد توینبی و اسوالد اشپنگلر که در آثارشان، بررسی تاریخ و زوال تمدن غرب به مقوله شکل‌گیری تمدن‌ها و اوج و نابودی آنها پرداخته‌اند، می‌کوشد نکته اصلی نظریه‌اش یعنی همان «فرم» تمدن‌ها را تبیین کند. وی از این آثار را تایید می‌کند، اما ضمناً می‌کوشد کاستی‌ها و باورهای پیش پنداشته نام‌ساز را (در برخی موارد با لحنی بسیار تند) آشکار کند و نوری تازه بر مطالعه تاریخ تمدن - از منظر فرم و دینامیک و تلفیق اینها - بتاباند. متأسفانه تنها بخش‌هایی از این آثار که در تبیین فلسفه تاریخ در اوایل سده بیستم به شدت تاثیر گذارند، به فرسی ترجمه شده‌اند. بدون شک مراجعه به این منابع برای علاقه‌مندان به این مبحث ضرورت خواهد بود و نکاتی را که در فصل نخست اثر حاضر به‌طور خلاصه بیان شد، کاملاً روشن خواهد کرد.

سپس فرانکفورت با نتیجه‌ای که حاصل نخست حاصل شده به سراغ تمدن‌های بین‌النهرین و مصر - به عنوان پدیده - می‌رود. کاملاً خودجوش و خودکفا، وابسته به طبیعت خاور نزدیک و مقرب در برابر نفوذ خارجی‌ها - می‌رود و دوره پیش تاریخ در هر دو کشور، موقعیت جغرافیایی، ظهور کشاورزی و نظام اقتصادی این دو تمدن را بررسی می‌کند.

در فصل سوم به شاخصه‌های تمدن بین‌النهرین (چگونگی شکل‌گیری جامعه معبد به عنوان اساس دولت - شهرهای این ناحیه، ویژگی‌های دولت - شهرها و اداره آنها به مثابه یک نظام سیاسی واحد، معماری، هنر و البته نوشتار) می‌پردازد.

در فصل چهارم، به چگونگی شکل‌گیری کشور مصر و اتحاد مصر سفلی و علیا و بنیان‌نگرش انسان مصری نسبت به هستی و کاینات - باورهای عمیقاً

مذهبی، اعتقاد به فرعون در جایگاه خداوند، حیات پس از مرگ و تمایل به جاودانگی که در معماری و هنر ایستا و ابدیت‌گرای آنان به خوبی مشاهده می‌شود. می‌پردازد و در پایان، تاثیرپذیری فرهنگ مصری از بین‌النهرین را با ارائه مدارک توضیح می‌دهد.

به طور خلاصه، فرانکفورت بر این مسأله تاکید می‌ورزد که تمام تمدن‌ها هویتی منحصر به فرد دارند، یک «فرم» که در طول تاریخ سرزمین‌ها ثابت باقی می‌ماند. منشا «فرم» تمدن بین‌النهرین نوع سازماندهی شهر و نهادهایش است که خدای شهر و معبدش مهم‌ترین مولفه آن به شمار می‌رفتند. «فرم» تمدن مصر، اما، از سیستم مذهبی-سیاسی آن ریشه می‌گرفت که فرعون، خدا و پادشاهی مهم‌ترین خصایصش بودند.

هنرمند فرانسوی در ۱۸۹۷ در هلند متولد شد. از دانشگاه آمستردام مدرک لیسانس در رشته تاریخ گرفت، فوق لیسانسش را از دانشگاه لندن دریافت کرد و به دانشگاه لیون بازگشت تا دکترا بگیرد. در زمینه فرهنگ و تمدن خاور نزدیک بسیار مطالعه کرد و مسئول حفاری‌های باستان‌شناسی موسسه شرق‌شناسی شیکاگو و عراق را در ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷ بود. کوشش‌های وی حقایق بسیاری را درباره تاریخ بابل در ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد مسیح آشکار ساخت. در ۱۹۳۸ برای تحقیق و تدریس به دانشگاه شیکاگو رفت. در ۱۹۴۹ به عنوان پروفیسور در رشته تاریخ عهد باستان در دانشگاه لندن مشغول به کار شد. از برجسته‌ترین آثارش می‌توان به نقاشی‌های «یواری العمارنه» (۱۹۲۹)، «بنای یادبود سستی اول در ابیدوس» (به همراه ای. بی. و. ب. گان، ۱۹۳۳)، «مهرهای استوانه‌ای: مدارکی درباره هنر و مذهب در خاور نزدیک باستان» (۱۹۳۹)، «ماجرای جویی خردمندانه انسان کهن» (۱۹۴۶)، «مآخذ دین مصری: یک تفسیر» (۱۹۴۸)، «پادشاهی و خدایان» (۱۹۴۸) و «هنر و معماری شرق باستان» (۱۹۵۴) اشاره کرد. مرگ زود هنگامش در ۱۹۵۴ تحقیقاتش را ناتمام گذاشت.

سحر قدیمی

saharqadimi@yahoo.com

بیان تمام حشرات تولد تمدن در خاور نزدیک به تحقیقاتی چند برابر کتاب حاضر باز دارد. ما در این کتاب به نوآوری‌های حائز اهمیت اجتماعی و سیاسی پرداخته‌ایم که تغییرات بزرگ خاور نزدیک از آنان ریشه گرفت. این نوآوری‌ها، تقریباً به صورت مسیری سرچشمه ظهور نخستین جوامع متمدن محسوب می‌شوند. با این همه مطالعات اندکی درباره آنها صورت گرفته و بیشتر به تغییرات در زمینه دکنه آری و هنر، الهور مذهب و اختراع خط پرداخته شده است. در کتاب حاضر، نسبت به تکنولوژی و هنر، تا جایی که شرایط سیاسی و اجتماعی را آشکار کنند، بررسی شده‌اند؛ اما ما نکوشیده‌ایم درباره آنها با ذکر جزئیات بحث کنیم و در چارچوب داملا کنترل شده واژه «تمدن» مطالعه خود را پیش برده‌ایم. درست است که اصطلاحات «تمدن» و «فرهنگ» در گفتار عمومی هم‌معنی تلقی می‌شوند و از این رو خدای تمایز مشخصی میان آنها وجود ندارد، اما برای اولویت در استفاده از آنها، دلایل ریشه‌شناختی وجود دارد. کسانی که درباره زندگی انسان‌های بدوی مطالعه می‌کنند، واژه «فرهنگ» را ترجیح می‌دهند که تلویحاً به چیزی نامعقول و بی‌اساس اشاره دارد، چیزی که رشد و گسترش یافته، نه اینکه ساخته شده باشد. از سویی دیگر، واژه «تمدن» بیشتر مورد نظر کسانی است که در وهله اول، بشر را Homo Politi به حساب می‌آورند و درک درست از عنوان کتاب ما تنها در این صورت میسر است.

پرسشی که بی پاسخ باقی خواهد ماند، درباره خاستگاه‌هاست. خواننده در خواهد یافت در مرتب کردن پیامدهای آغاز دوران تاریخی، ما پیکره اصلی و نه ریشه‌های تمدن‌های مصر و بین‌النهرین را نمایان ساخته‌ایم. این ریشه‌ها تا کجا می‌توانند شناخته شوند و چه عواملی باعث شکل گرفتن آنها شده‌اند؟ فکر می‌کنم مورخ باید این پرسش‌ها را بی پاسخ تلقی کند. اما این شاید باعث شود وی در مسیر حدس و گمان‌های شبه‌فلسفی به بیراهه رود یا او را وسوسه کند پاسخ‌های ساختگی علمی ارائه دهد. این پاسخ دوم بیش از اولی زیانبار است، از این رو که زمان و تغییراتی نظیر افزایش تولید غذا یا پیشرفت‌های تکنولوژیک (که هر دو در واقعیت ظهور تمدن کاملاً همسان و تصادفی به‌شمار می‌روند) عوامل اصلی برای توضیح چگونگی ظهور تمدن فرض می‌شوند. این تصور غلط، دستیابی به درک عمیق‌تر را غیرممکن می‌سازد. در همین راستا سخنان وایت‌هد، برای گذشته و حال، معتبر می‌نماید:

نقطه راجع هر عصر، اعمال و فعالیت‌های اساسی و قابل توجه آن است و همین فعالیت‌ها سبب تمایز دوره‌های گوناگون شده است. در میان آن‌هایی که آن نقطه اوج را ساخته‌اند، برخی چشم‌اندازی از این کیهان‌شناسی تلویحا پذیرفته شده و روند جاری امور را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. تنها بخشی از این کیهان‌شناسی بنیادی تر توصیف شده و جزئیات چنین توصیفی پرسش‌هایی خاص را برمی‌انگیزد. این پرسش‌ها توافق همگانی درباره اصول اولیه‌ای را که آنقدر آشکار است که اساساً به توضیح نیاز ندارند و آنقدر کلی‌اند که در توصیف نمی‌گنجند پنهان می‌کند. در هر دوره‌ای یک فرم کلی تفکر در میان فرهنگ‌های گوناگون وجود دارد؛ آن شکل تفکر، همچون هوایی که تنفس می‌کنیم چنان تمام آن دوره را در خود فرو برده و شفاف و ضروری است که ما تنها با کوشش فراوان می‌توانیم از آن آگاه شویم.^۱

بدین ترتیب، مورخ نمی‌تواند از این کوشش شانه خالی کند؛ به‌علاوه راه میان‌بری برای درک یک گذشته دور، بیگانه و عجیب وجود ندارد، اما من معتقدم مطالعه تطبیقی پدیده‌های موازی، به احتمال بسیار زیاد به تعریف روشن و تردیدناپذیر فرمی می‌رسد که در جست‌وجویش بوده‌ایم.

من در چارچوب مصر و بین‌النهرین تحقیق کرده‌ام، مراکز فرهنگی خاور نزدیک؛ از این رو که در مناطق حاشیه‌ای، تمدن بسی دیرتر تحقق یافت و همواره تا اندازه‌ای از مصر و بین‌النهرین وام گرفته بود. مصر نیز در دوره تکوینش زیر تاثیر بین‌النهرین بود، اما هیچگاه ویژگی‌های آشکار و به شدت منحصر به فردش را از دست نداد. موضوع رابطه فرهنگی اولیه میان این دو نقطه در بحث ما چنان اهمیتی دارد که من به‌طور جداگانه مدارک موجود در این زمینه را در موحه بررسی کرده‌ام.

فصل‌هایی که پس از این دارید، بحث‌های گسترده‌تر و عمیق‌تری است که از سخنرانی‌هایم در دانشگاه‌های آندانا و بلومینگتون^۱ در زمستان ۴۹-۱۹۴۸ و موسسه پتن^۲ ریشه گرفته‌اند. دکتر هلن جی. کانتور^۳ از موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو سپاسگزارم که سخنانم را در تصاویر ۱ و ۴ را در اختیارم گذاشت.

هنری فرانکفورت

موسسه واربرگ

دانشگاه لندن

۱۱، امبر ۱۹۵۰